

تفکر انتقادی، تعالی عقلانیت

کتاب «درآمدی بر تفکر انتقادی» در چارچوب نظریه‌های هنجاری به ویژه نظرات «پیتر فسیونه» به تفکر انتقادی می‌پردازد. این چارچوب با توجه به وضعیت فرهنگی- اجتماعی جامعه ایران انتخاب شده و نویسنده بر این باور است که در مراحل نخستین آشنایی ما با نظر بهای تفکر انتقادی و نیز به علت پیچیدگی شیوه تفکر غیرانتقادی در تاریخ فرهنگی مان ضروری است که با نظر بهای هنجاری این شیوه آشنا شویم. پیتر فسیونه در پی دو سال تحقیق در سال ۱۹۹۰ نتیجه تحقیقات خود را در گزارشی شامل تدوین خاصی از نظریه هنجاری تفکر انتقادی ارائه داد. در این گزارش او دو دسته مولفه تفکر انتقادی را به عنوان «مهارت‌های تفکر انتقادی» و نیز «ویژگی‌های اندیشمند انتقادی» معرفی کرد. در این کتاب، این دودسته مولفه تقریباً بر مبنای آنچه در گزارش فسیونه آورده بررسی شده است. در فصل نخست «درآمدی بر تفکر انتقادی» قاضی مرادی به تعریف و اهمیت تفکر انتقادی می‌پردازد و در تعریف تفکر انتقادی می‌نویسد: «تفکر انتقادی هنر تفکر است درباره تفکر به شیوه‌ای که از نظر فکری (منطقی) انتظام یافته و منضبط باشد. اندیشمندان انتقادی آشکارا سه برهه مهم مرتبط پر روند تفکر متمرکز می‌شوند: آنان تفکر را تحلیل می‌کنند تفکر را ارزشیابی می‌کنند و تفکر را اعتلا می‌دهند. این برهه برای این است که اندیشمند انتقادی مسوولیت تفکرش را بر عهده گیرد.»او در عین حال تفاوت تفکر انتقادی با مساله گشایی و تصمیم‌گیری را بررسی می‌کند. سه فصل بعدی به تحلیل سه موضوع «اصول تفکر انتقادی»، «مهارت‌های تفکر انتقادی» و «ویژگی‌های اندیشمند انتقادی» اختصاص می‌یابد. در فصل پنجم، ششم و هفتم با عناوین «اصول تفکر غیر انتقادی»، «ویژگی‌های اندیشمندانتقادی» و«مغالطه‌های تفکر غیرانتقادی» به بررسی «تفکر غیر انتقادی» اختصاص داده شده است. در این فصل به شیوه تفکری پرداخته شده که به باور نویسنده در میان ایرانیان شایع است. در پایان نیز بی‌گفتاری تحت عنوان «حماقت و دانایی» آورده شده است. حماقت در تناظر با تفکر غیرانتقادی و دانایی همچون پیامد تفکرانتقادی، اگر بخواهیم نه در کوره راه حماقت بلکه در جاده دانایی پیش برویم هرگز نباید از بازسنجی همیشگی شیوه تفکرمان غفلت کنیم. ما بیشتر به محتوای ذهن، باورها و اعتقاداتمان، به محتوای تفکرمان توجه داریم تا به شیوه تفکرمان. این دو، اما از یکدیگر انفکاک‌ناپذیرند.

در آمدی بر تفکر انتقادی

حسن قاضی‌مرادی

ناشر: نشر دات

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

نوبت چاپ: ۱۳۹۱

فرانسویزیر

تفکرانتقادی

فرانسویزیر

نویسنده کتاب «در فضیلت مدنیت» در تلاش است معنایی آنچه به گفته او نامدنیتهای سیاسی و اجتماعی در ایران است را روشن سازد و شاخص‌های اصلی آن را در تاریخ، فرهنگ و رفتار ایرانیان بیابد. مانند هر کار تحقیقی دانشگاهی، این اثر از سه بخش تشکیل شده‌است: بخش نخست چارچوب نظری این تحقیق است و تلاش برای روشن کردن مفاهیم مدنیت و نامدنیّت که دو نامدنیّت اصلی یعنی نامدنیّت اجتماعی و نامدنیّت سیاسی را در برمی‌گیرد. بخش دوم شامل تعاریف معنی شمردن جلوه‌هایی از نامدنیّت از دوره‌های تاریخی مختلف است. بخش سوم بخش نتیجه‌گیری و ارائه راهکار برای رفع این نامدنیّت‌هاست. یک رساله شست‌ورفته دانشگاهی که نمره قبولی را می‌گیرد، اما…

فصل اول کتاب با بررنگ کردن مفاهیمی چون تساهل و مدارا در جست‌وجوی اجماعی در میان نیروهای مختلف اجتماعی است، اگرچه تخاصم میان نیروها را می‌بیند اما رافع تخاصم را بر مبنای تساهل و اجماع می‌بیند و به جای تأکید بر تخاصم که مهم‌ترین اصل امر سیاسی است بر تساهل و اجماع و وفای تأکید می‌کند. او معتقد است در تعارض و رقابت بین حاکمان و حکومت‌شوندگان باید مصلحت عمومی جامعه مورد نظر قرار گیرد تا پایان‌کننده مدنیت سیاسی باشد. مدنیت اجتماعی نیز گسترش فضای مشترک بین دو فرد، فرد و گروه، گروه و گروه و… است. فصل دوم بر است از داده‌های جذاب از تاریخ ایران و بدون درنظر گرفتن فصل اول و سوم هم خواندنی است. نویسنده مهم‌ترین جلوه‌های نامدنیّت سیاسی را فقدان مصلحت عمومی در حکومت استبدادی، تبلیغ فرامبنداری مطلق از سرور مستبد، نامکنی مخالفت سیاسی، تبعیض سیاسی، فقدان تساهل، فقدان شایسته‌سالاری، کلی‌مسلكی سیاسی مردم و سانسازگرایدیری با قدرت، تعسف در سازماندهی سیاسی مخالفان، گرازیشتاف فرقه‌گرایانه مخالفان می‌داند و مهم‌ترین جلوه‌های نامدنیّت اجتماعی را نواوداری، نامدنیّت در محیط‌های کاری، کلی‌مسلكی اجتماعی، کینه‌توزی، ریاکاری و خودمداری می‌داند. فصل سوم بر مبنای ایده «هابرماس» در گسترش حوزه عمومی

قاضی مرادی و کتاب‌های جدیدش

تفکر انتقادی یا ...



حسن قاضی‌مرادی، پژوهشگر و مترجم حوزه جامعه‌شناسی و فلسفه است. او دانش آموخته مهندسی مکانیک است و فعالیت‌های پژوهشی‌اش عمدتاً در حوزه جامعه‌شناسی مردم ایران و تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران بوده است. از وی کتاب‌هایی همچون «در پیرامون خودمداری ایرانیان»، «استبداد در ایران»، «در ستایش شرم»، «تأملی بر عقب‌ماندگی»، «نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران»، «کار و فراغت ایرانیان» و همچنین ترجمه «رساله دکترای فلسفه» و «نقد فلسفه حق هگل» کارل مارکس را به همراه محمود عبادیان منتشر کرده است. **قاضی‌مرادی** اخیراً سه کتاب جدید نوشته است: «درآمدی بر تفکر انتقادی»، «در فضیلت مدنیت» و «شوق گفت‌وگو»، که گویی باید آنها را پیش‌فراول تغییراتی در آرا و نظرات او تلقی کنیم. آثار پیشین قاضی‌مرادی، به‌ویژه آنجا که او سراغ موضوعات تاریخی می‌رود، برای مثال تئنگاری‌اش درباره «ملکم‌خان»، نقدهش بر تاریخ‌نگاری ماشاءالله آجودانی یا نقد نظریه سیدجواد طباطبایی، حاوی ژرف‌بینی‌های مهمی درباره تاریخ معاصر ایران است. اما سه اثر آخر او هر چ‌شنی در سمت گفت‌وگو و مفاهمه با بهره‌گیری از روانشناسی ایرانیان است، چیزی که البته جای نقدش باقی است.

مدنیته‌ها و نامدنیته‌ها

پوریا شبیانی‌راد

تأکید دارد و راحل بسیاری از به اصطلاح نامدنیتهای موجود در ایران را گسترش حوزه عمومی از طریق ترویج سازمان‌های غیردولتی، غیرانتفاعی کردن، تأکید بر داوطلبانه‌بودن و بسیاری ویژگی‌های دیگری می‌داند. چیزی که نشان می‌دهد نویسنده در نشان‌دادن این راحل‌ها تا چه حد تأثیر همان به اصطلاح نامدنیتهای اجتماعی و سیاسی را در دگردیسی و مسخ همه این راهکارها نادیده می‌گیرد. به‌طور کلی داده‌هایی که نویسنده از تاریخ ایران بیرون کشیده برای تحلیل ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی ایران جذاب است اما برای اینکه لباس نظری‌ای که نویسنده دوحته اندازه قدوقاره اطلاعات انضمامی- تاریخی او شود به جای آنکه لباس تنگ یا گشاد شود این دست‌وپاست که توسط نویسنده کوتاه و بلند می‌شود و بسیاری از داده‌های تاریخی و پتانسیل‌های موجود در فرهنگ و تاریخ این مرزوموم مثل جنبش‌های دینی، عرفانی، سیاسی، ادبی و غیره نادیده گرفته می‌شود. نکته دیگری اینکه در بررسی ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ طولانی ایران که مکثی برای تاخت‌وتاز با ویژگی‌های فرهنگی و عقیدتی متفاوت بوده کمی عجیب به نظر می‌رسد که

در فضیلت مدنیت

نگاهی به نامدنیتهای سیاسی و اجتماعی در ایران

حسن قاضی‌مرادی

ناشر: کتاب آمه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فرانسویزیر

فرانسویزیر

کتاب

گفت‌وگو؛ ارتباط کلامی دموکراتیک

حسن قاضی‌مرادی در کتاب «شوق گفت‌وگو» به نقد و بررسی عرصه گفت‌وگو و وحدت‌گسترده‌گی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان پرداخته است. او در تلاش است تا جایگاه گفت‌وگو در عصر جدید را به عنوان پیامد درکی نوین از آنچه در صدسال اخیر در متن نظریات گوناگون جست‌وجو شده‌T عرضه کند. نگارنده بر این باور است که در متن زندگی روزمره، گونه‌های متفاوت ارتباط گفتاری نظیر گپ، بحث، مناظره، مذاکره و… با هم آمیخته‌شده و نمی‌توان مرز مشخصی میان آنها ترسیم کرد. این در حالی است که باوجود درهم‌آمیختگی فضای مزبور همچنان ماهیت خاص گفت‌وگو و وجه تمییزش با دیگر ارتباط‌های گفتاری نقض نمی‌شود. تأکید نویسنده بر سابقه تک‌گویی از یک‌سو و روند شکل‌گیری تدریجی گفت‌وگو از سوی دیگر باعث شده تا او گفت‌وگو را در قامت ارتباط گفتاری خاص و در محور و بنیان تک‌گویی خودبیانگری جست‌وجو کند. استدلال قاضی‌مرادی نیز در این باب مجال تأمل دارد. وی مدعی است که «وقتی فرد در ارتباط با موضوعی به ادراکی می‌رسد اگر بخواهد این ادراک را صرفاً بیان کند به تک‌گویی در معنای عام آن می‌پردازد. لاً این ارتباط از طریق جریان و انتقال ایده و معنا در درون یا بین افراد و در میان جمع در مورد موضوعی مشترک به منظور مفاهمه و روشنگری درباره این موضوع در فضای مشترک رابطه انجام می‌شود.» به‌زعم وی، گفت‌وگو، روند پیش‌برسد مفاهمه و روشنگری درباره موضوعات مشترکی است که از طریق باهم‌پندیشی شکل می‌گیرد. او تأکید دارد که گفت‌وگو، ارتباط کلامی دموکراتیک است. اما تأکید مدام نگارنده بر اصطلاح مستعمل «دوران گذار یا انتقالی» – یعنی گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن یا متجدد- و اینکه جامعه امروز ما را، مدعی می‌باشد که این مفهوم راجع داده و امکان تحقق دموکراسی و بهار نشستن آن در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی را به قلمرو این مفهوم محاط می‌دارد، فقدان تفکر نقادی به مفهوم راسخترین این اندیشه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این کتاب در سه فصل تنظیم‌شده که نگارنده در فصل نخست با تمایز گذاشتن میان دو معنای عام و خاص تک‌گویی به بررسی ویژگی‌های آن می‌پردازد. در فصل دوم به تبیین نظری می‌پردازد که براساس آن ادعا می‌شود در تاریخ و فرهنگ ما تک‌گویی در معنای خاص آن گسترده‌گی بسیاری دارد و سرانجام در فصل آخر به نظریه گفت‌وگو در معنای خاص مورد نظر خود می‌پردازد.

شوق گفت‌وگو

و گسترده‌گی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان

حسن قاضی‌مرادی

ناشر: دات

نوبت چاپ: ۱۳۹۱

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

فرانسویزیر

فرانسویزیر

ادامه از صفحه ۸

کره زمین

متعلق به کیست؟

مخوششان مرزها و این چالش‌ها با مشروعیت دولت‌ها، مسایلی اساسی را در مورد اینکه کره زمین متعلق به کیست، به وجود می‌آورد. چه کسی صاحب اتمسفر زمین است که اجازه می‌دهد زمین با گازهای گرم‌گازی که از استان‌های بسیار خطرناک گذشته‌اند، آلوده شود؟ یا اگر بخواهم از عبارت مردمان بومی در سرتاسر جهان استفاده کنم، چه کسی از سیاره زمین دفاع خواهد کرد؟ چه کسی حافظ حقوق طبیعت خواهد بود؟ چه کسی نقش مباشر منافع همگانی یا داری‌های عمومی‌مان را بر عهده می‌گیرد؟

اینکه سیاره زمین اکنون به طور میرمی‌باشد مستند دفاع دربرابر فاجعه محیطی قریب‌الوقوعی است، مطمئناً برای هر فرد عاقل و فهیم‌دهای میرهن است. واکنش‌های متفاوت به این بحران، چشم‌گیرترین ویژگی تاریخ معاصرند. کسانی در خط مقدم دفاع از طبیعت قرار دارند که اغلب «هردمان ابتدایی» نام گرفته‌اند: اعضای گروه‌های بومی و قبیله‌ای، مانند جمعیت‌های نخستین First Nations) در کانادا یا بومیان (Aborigines) در استرالیا، یعنی باقیمانده افرادی که از تاخت و تاز امپریالیستی جان سالم به در برده‌اند. در خط مقدم یورش بر طبیعت نیز کسانی حضور دارند که خود را پیشرفته‌ترین و متمم‌ن‌ترین افراد می‌دانند: یعنی ثروتمندترین و قدرتمندترین ملت‌ها.

مبارزه برای دفاع از منافع همگانی اشکال متفاوتی دارد. در سطح خرد، این مبارزه هم اکنون در میدان تقسیم ترکیه در حال انجام است، جایی که مردان و زنان جسور در حال محافظت از یکس از آخرین بقایای همگانی استانبول از شر توب جنگی تجاری‌سازی و نوسازی و قاعده‌ای خودکامه هستند که در حال ویران کردن این گنج باستانی است. ملافغان میدان تقسیم در خط مقدم مبارزهای جهانی است. حفظ منافع مشترک جهانی از شر نابودگرانی باهمان توپ‌های جنگی‌اند. مبارزهای که همه ما باید با فداکاری و عزم راسخ در آن شرکت کنیم، اگر امیدی برای بقای درخور انسان در جهانی بدون مرز، وجود دارد. اینها منافع همگانی‌مان هستند، می‌تولیم از آنها دفاع یا تخریشان کنیم.

«**این نوشته بخش‌هایی از سخنرانی**

چامسکی در جشن فارغ‌التحصیلی

دانشجویان دانشگاه آمریکایی بیروت

در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳

گزارش

نشست نقد و بررسی کتاب «ذهن روسی در نظام شوروی»

چند قدم تا زوال یک اوج

هادی مشهدی: کتاب ذهن روسی در نظام شوروی، مشتمل بر چند مقاله از آریاا برلین است که به بررسی تفاوت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روسیه در دو قرن ۱۹ و ۲۰ می‌پردازد. این اثر پس از درگذشت مولف منتشر شده است. کتاب ذهن روسی در نظام شوروی، به همت رضا رضایی به فارسی برگردانده شده و نشر ماهی آن را چاپ و منتشر کرده است. ذهن روسی در نظام شوروی، سه‌شنبه هجدهم تیر، در مرکز فرهنگی شهر کتاب، با حضور رضا رضایی، هومن پناهنده و زهرا محمدی نقد و بررسی شد.

به نام کمونیسم، به نام کلی گرای!

رضا رضایی، نقشنش و تأثیر نجف دریاندی در معرفی برلین به مخاطبان ایرانی را بسیار ارزنده و پراهمیت ارزیابی و تصریح کرد: گزینش صحیح و ترجمه ممتاز کتاب «متفکران روس» و پیگیری و ترغیب برای دیگران آثار برلین از سوی دیگر مترجمان را در پی داشت. کتاب متفکران روس، به‌طور عمده به ادبیات و سیاست در روسیه قرن نوزدهم پرداخته است. این اثر پس از ترجمه در محافل روشنفکری ما بسیار اهمیت یافت. کتاب حاضر به نوعی در ادامه همان اثر است. به‌زعم برلین، از حیث نگاهای تاریخی، آنچه در روسیه در قرن بیستم حایز اهمیت است، ریشه‌هایی در قرن نوزدهم دارد. به طور خلاصه برلین معتقدست که آنچه در روسیه قرن بیستم می‌بینیم، یکسره به کمونیسم مربوط نمی‌شود، بلکه نوعی ناسیونالیسم و تعصبات ملی نیز در آن دخیل است. هر کتابی که در آن مقطع در روسیه نوشته شده است، به نوعی بیانگر مسایلی روسی است. این رویکرد را حتی در اشعار عاشقانه آنها می‌توان دید. وی مصداقی در تأیید این مدعا برشمرد و ادامه داد: البته می‌توان دو دسته بر رویکرد ادبی و فرهنگی روسیه در این مقطع تاریخی مترتب شد دسته‌ای که همان نگاه تعصب‌آمیز و ملی‌گرایانه را داشتند و در مقابل دسته دیگر که نگاه به غرب داشتند. مصداق رویکرد تعصب‌آمیز و ملی‌گرایانه روس‌ها در حوزه ادبیات، داستایفسکی است. تورگنیف نقطه مقابل او است که به مدرنیته و غرب توجه داشته است. مصداق این معنا را در سیاست نیز می‌توان دید: در آن مقطع برخی گرایش‌های سیاسی در حمایت از کلیسای ارتودوکس و تزار کاملاً بارز بوده است، از دیگر سو مخالفت با استبداد و طرفداری از افکار نو، در افکار کسانی چون هرنس و سوسیالیست‌های روسیه دیده شده است. این تعارض بین دو جریان در روسیه قرن نوزدهم، ریشه بسیاری از پدیده‌ها در آن مقطع را به خوبی عیان می‌کند. این رویکرد در آستانه انقلاب، بین روشنفکران و حتی اعضای حزب کمونیسم نیز وجود داشته است. برلین به‌طور غیرمستقیم و با اشاره به تصفیه‌های درون حزبی، این گرایش و رویکرد را نمی‌ماند. وی افزود: دیگر ویژگی‌ای که در دیدگاه و رویکرد او می‌توان برشمرد، توجه به مباحث فلسفی- سیاسی است: در این دست آثار که مهم‌ترین آنها کتاب چهارمقاله درباره آزادی است، برلین، دو نوع از آزادی را تشریح کرده است: آزادی مثبت و آزادی منفی. حول این مقالات، تفدهای زیادی مطرح شده است، بسیاری از لیبرال‌ها با آنها مخالفت کرده‌اند که منجر به نوشتن مقاله دیگری در پاسخ‌گویی به آنها از سوی برلین شده است. رضایی ادامه داد: اهمیت‌دادن به تاریخ اندیشه‌ها به عنوان موضوعی مستقل را نیز می‌توان از جمله خصایص در نوع نگاه برلین تلقی کرد که البته مورد انتقاد نیست. این کتاب را می‌توان به عنوان یک کتاب مرجع برای دانشجویان و محققان حوزه علوم سیاسی و علوم اجتماعی دانست. او همواره بر استقلال تاریخ اندیشه‌ها تأکید داشته است. رویکرد دیگری که به‌زعم برلین حایز اهمیت بوده است، انتقاد به جریانات افراطی قتل‌گرایانه در نهضت روشنفکری است، که از ووی اقت در زندگی و رویکردهای افرادی خاص از جمله «هامان» به آن پرداخته است.



از راست به چپ: زهرا محمدی، هومن پناهنده و رضا رضایی

ایزار معناساز

پناهنده، ضمن تأکید بر همسان‌بودن ابزار ترجمه نزد مترجمان مختلف، تلقی مترجم از ترجمه را عاملی مهم و موثر در توفیق وی دانست و گفت: این عاملی است که به تفاوت کار دو مترجم با ابزارهای همسان می‌انجامد. بسیار مترجمان هستند که تلقی خود از ترجمه را مطرح می‌کنند، ولی در به‌کارگیری آن موفق نیستند. وی افزود: نویسنده به مدد ابزار و مصالحی که در اختیار دارد، صورتی از معنا و محتوایی را در زبان مبدأ پند می‌آورد. مترجم به مدد همان ابزار، آن معنا و محتوا را از آن خود می‌کند و در زبان مقصد باز می‌گوید؛ او از این حیث مامور حفظ معناست. بنابر این، در صورت انتقاد از کار ترجمه، استاندارد و ارجاع مترجم به متن مبدأ، در حد تأکید بر امتداری وی در انتقال محتوا، معقول و مقبول است. بدین معنی از این دستس که حامل معنا و ایده هستند و در نمی‌توان با ارجاع به متن مبدأ توجیه کرد به این معنا که یک متن ترجمه شده، باید متنی قائم به ذات و روان داشته باشد. پس از اینکه از این مفهوم درگذریم آنگاه بحث دقت مطرح می‌شود. پناهنده، با استناد به نمونه‌هایی، این معنا را به تفصیل تشریح کرد و گفت: در ترجمه‌هایی که از حیث روان و قائم به ذات بودن بی‌نقص و کم‌نقص هستند، تلقی مترجم از ترجمه، او را به دقت و امتداری وامی‌دارد. این مهم در موتنی از این دستس که حامل معنا و ایده هستند و در قالب مقالات و جستارهای علمی مطرح می‌شوند، اهمیتی مضاعف می‌یابد. در مطالعه این اثر، از حیث روان بودن تنها در دو یا سه مورد نیاز به مطابقت با متن اصلی احساس می‌شد که برای این حجم، رکورد بسیار خوبی است. در تأکید بر دقت مترجم شی‌می‌توان برگردان جملات طولانی و دشوار برلین را با متن اصلی آن قیاس کرد و به جسارت مترجم پی برد. در نهایت، در میان انبوه ترجمه‌هایی که در حال صورت می‌گیرند، با خوش‌بینی، می‌توان تنها پنج درصد را از این نظر قابل قبول دانست: ترجمه این اثر به حتم در این دسته جای دارد.

یک پیش‌بینی غلط!

زهرا محمدی، برلین را عاملی موثر در شناساندن روسیه حاضر، به ایرانی‌ها دانست. وی سپس نوع نگاه محافل ادبی روسیه به مقالات برلین را تشریح کرد و گفت: برلین در روسیه آنطور که باید دیده نشده است، از سویی تشابه نگاه او به نگاه منتقدان و صاحب‌نظران روس این رویکرد را رقم می‌زند؛ از دیگر سو برانده‌گویی‌های وی زیاد مورد درک و علاقه روس‌ها نیست، چراکه ایشان در نوشتن نقد ادبی و موتنی از این دست به رعایت چارچوب‌ها و قوانین قابل هستند. آنها، نوع نگاه آمیخته به تاریخ و فلسفه برلین به ادبیات را سطحی می‌پنداشتند. این نوع نگاه طی گذر زمان تعدیل شد. این عوامل، عدم علاقه مترجم‌ها به برگردان آثار برلین را نیز در پی داشت که خود باعث عدم اقبال آثار او در روسیه شد. وی در ادامه برخی از پیش‌بینی‌های برلین درباره ادبیات روسیه را کمی به دور از واقعیت موجود ارزیابی کرد و دلایلی بر تأیید این مدعا برشمرد. محمدی خاطرنشان کرد: اصولاً نمی‌توان پیش‌بینی روشنی از اتفاقات آینده یک نظام کمونیستی یا مشابه آن صورت داد، چراکه بسیاری از اتفاقات به رای و نظر یک شخصی بستگی دارد. به اعتقاد من مرز برتری را که برلین بین ادبیات قرن نوزدهم و بیستم قرار داده است، باید کمی جابه‌جا کرد، چراکه اتفاقات ادبی در این دو قرن از منظرهای گوناگون بسیار به هم شباهت دارند: آن مقطعی که باعث بروز تفاوت‌های عمیق در ادبیات این کشور می‌شود، دوران پس از فروپاشی نظام کمونیستی است.